

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

انتفاع به اجزاء خنزير

در بحث بيع خنزير بحثي که مطرح مي شود اين است که آیا انتفاع به اجزاء خنزير جايز است يا نه؟ يعني اگر کسي قائل شد به اينکه بيع خود خنزير جايز نيست، يا قائل شدیم به اينکه انتفاع به خنزير مادامي که اين صورت نوعيه خنزير را دارد جايز نيست ، آیا انتفاع به اجزاء خنزير، مثل پوست يا شعر خنزير جايز است يا نه؟ خود اين بحث، هم در کلمات فقهاء به صورت مستقل آمده است و هم يك روايات خاصه اي در اينجا دارد .

بررسي عبارات فقهاء در اين بحث

اين بحث از مواردی است که بين عبارات فقهاء، يعني فتوای مشهور فقهاء، با آنچه که در روايات آمده است كاملاً تفاوت دارد. يعني از عبارات فقهاء استفاده مي شود که انتفاع به شعر و جلد خنزير جايز نيست اما از روايات استفاده مي شود که اين انتفاع جايز است .

کلام شيخ صدوق(ره)

اولين عبارت عبارتي است که در کتاب صيد و ذبائح مقنع آمده است. مرحوم صدوق(ره) در کتاب مقنع فرموده «و اياک آن تجعل جلد الخنزير دلوا = تستقي به الماء»، «اياک» يعني نمي تواني جلد خنزير را دلو کني و بوسيله آن استقاء کني.

کلام صاحب مفتاح الکرامة

اينجا مرحوم صاحب کتاب مفتاح الکرامة(ره) مطلبي را به مرحوم صدوق(ره) نسبت داده است که مرحوم صدوق استقاء به جلد خنزير را جايز مي داند، و چون مفتاح الکرامة شرح قواعد مرحوم علامه است نوشته است که مرحوم علامه هم با مرحوم صدوق در کتاب مطاعم موافقت کرده است . وقتي ما خود عبارت مقنع صدوق را مي بينيم نهي کرده است «اياک أن تجعل جلد الخنزير دلوا تستقي به الماء»

جمع بین دو کلام

شاید بتوان بین این دو جمع کرد؛ که آنچه که در مفتاح الکرامه آمده است، جواز استقاء به جلد خنزیر «**بأن يجعل دلوًا لغیر الطهارة**»، یعنی مرحوم صدوق هم قائل به این است که جائز است با جلد خنزیر دلو درست کنید برای آن چیزی که نیاز به طهارت نیست، مثل آبیاری درختان و آب دادن به حیوانات، اما اگر بخواهید دلو درست کنید و وضو بگیرید و آب شرب از آن استفاده کنید نهی کرده است و لذا بین این دو کلام قابل جمع است.

کلام مرحوم شیخ طوسی(ره)

مرحوم شیخ طوسی(ره) در کتاب نهایة فرموده است «**وذلك شعر الخنزیر لا يجوز له أن يستعمله مع الاختیار**»، موی خنزیر را نمیتوان در صورت اختیار استفاده کرد «**فإن اضطر الي استعماله فليستعمل منه ما لم یکن بقي فيه دسم**»، اگر هم اضطرار پیدا کرد که از موی خنزیر استفاده کند آن مویی را استفاده کند که چربی در آن وجود ندارد، موی خنزیر چرب است و به دست انسان سرایت میکند نجس می شود، اینکه چربی در آن نباشد برای این است که مسئله سرایت منتفی شود.

عبارت مرحوم ابن ادریس(ره)

مرحوم ابن ادریس(ره) در کتاب سرائر می فرماید «**وذلك شعر الخنزیر لا يجوز للانسان استعماله مع الاختیار**» در حالت اختیار استعمالش جایز نیست «**علي الصحيح من اقوال اصحابنا**» قول صحیح در میان اقوال اصحاب همین است «**وإن كان قد ذهب منهم قوم الي جواز استعماله**» قومی - منظور سید مرتضی است - گفته اند استعمالش جایز است «**وتمسک بانه لا تحله الحیة**» گفته اند روح در آن دمیده نشده است «**الا ان اخبارنا متواترة عن الائمة الاطهار، بتحريم استعماله**» ما روایات متواتری داریم که استعمال این را حرام کرده اند «**والاحتیاط یقتضي ذلك**» احتیاط هم همین اقتضا را دارد «**فإن اضطر الي استعماله فليستعمل منه ما لم یکن فيه دسم**» اگر هم اضطرار به استعمال پیدا کرد باید آنکه در آن روغن و چربی وجود ندارد **الاستعماله** ، و بعد ابن ادریس گفته چه کار کند؟

«**بأن یترکه فی فخار**» فخار کوره را می گویند که در آن سفال درست می کنند «**و يجعله فی النار فاذا ذهب دسمه، استعماله عند الضرورة**» وقتی چربی آن رفت و خشک شد عند الضرورة استعمال کند «**و یغسل یده عند حضور الصلاة**» حالا که دستش به موی خنزیر خورده بشوید «**علي ما وردت الاخبار به**» پس شیخ صدوق و شیخ طوسی و ابن ادریس(رحمهم الله) می گویند استعمال شعر خنزیر اختیارا جایز نیست، اگر اضطراری حاصل شد باز هم باید آن را در فخار قرار دهد تا خشک شود، بعد که خشک شد استفاده کند.

عبارت مرحوم محقق(ره)

عبارت چهارم عبارت مرحوم محقق در شرایع است. فرموده «**لا يجوز استعمال شعر الخنزیر اختیارا**» استعمال آن اختیارا جایز نیست «**فإن اضطر استعمال ما لا دسم فيه و غسل یده**» اگر اضطرار پیدا کرد استعمال کند و دستش را بشوید.

عبارت مرحوم علامه در قواعد

مرحوم علامه در کتاب اطعمه قواعد فرموده «و یحرم استعمال شعر الخنزیر» استعمال شعر خنزیر حرام است «فان اضطر استعمال ما لا دسم فيه و غسل یده»

عبارت علامه در مختلف

مرحوم علامه در کتاب مختلف بعد از اینکه کلام شیخ و ابن ادریس را نقل کرده فرموده «والمعتد جواز استعماله مطلقاً» چه اختیاراً و چه اضطراراً می تواند استفاده کند «و نجاسته لا تعارض الانتفاع به» نجاستش مانع از انتفاع نمی شود «لما فيه من المنفعة العاجلة الخالية من ضرر عاجل او آجل فيكون سائغاً. عملاً بالأصل السالم عن معارضة دليل عقلي او نقلي في ذلك»، مرحوم علامه فرموده نجاستش مانع نمی شود، چون منفعت دارد و خالی از ضرر است، و اصل، دلالت دارد بر جواز استعمال و بعد هم برای جواز استعمال به روایات تمسک کردیم .

خلاصه اقوال علماء

ما از ارکان فقها صدوق و شیخ طوسی و ابن ادریس و مرحوم علامه در قواعد و محقق در شرایع استفاده می کنیم که استعمال شعر خنزیر جایز نیست اختیاراً، و فقط مرحوم علامه در کتاب مختلف می فرماید که این استعمال اختیاراً جایز است.

روایات انتفاع به اجزاء خنزیر

لذا باید روایات را در اینجا ببینیم، و ملاحظه خواهید کرد که بین اقوال فقها و روایات تناسبی وجود ندارد و روایات چیز دیگری را دلالت دارد . این روایات در وسائل الشیعه، ابواب تجارت و بعضی در کتاب الطهاره است و جاهای مختلفی این روایات ذکر شده است .

اولین روایت

اولین روایت، روایتی است در باب 58 از ابواب ما یکتسب به ، حدیث اول، روایت از سیف بن تمار است – این سیف بن تمار مردی بین چند نفر است، که اگر مراد سیف بن سلیمان تمار باشد روایت موثق است، چون سیف بن سلیمان تمار ثقه است – عن ابي جعفر(ع) قال قلت له ان رجلا من مواليك يعمل الحمائل بشعر الخنزير، مردی از دوستان شما با موی خنزیر حمائل درست می کند – حمائل جمع حمیله است و علامت سیف است روی لباس – قال ، امام(ع) فرمود «اذا فرغ فليغسل یده»، بعد از اینکه حمائل را درست کرد و از کارش فارغ شد دستش را بشوید.

مطالبی که از روایت استفاده می شود

روایت دلالت دارد بر اینکه اصل استعمال شعر خنزیر جایز است . **مطلب دوم** اینکه بر نجاست شعر آن هم دلالت دارد . **نکته سوم** که دلالت دارد این است که این «**يعمل الحمائل**»، یعنی کارش این است، یعنی حمائل درست می کند و می فروشد، در مقابل **يعمل** این است که بگوییم این حمائل را فقط برای خود درست می کند و این را خودش می خواهد استفاده کند، که این از لفظ «**يعمل**» بعید است.

مطلب چهارم جواز بیع آن است، یعنی اگر کسی از شعر خنزیر حمائل درست کرد بر طبق این روایت بعیش جایز است. **نکته دیگر** این است که حالا اگر ما گفتیم «**يعمل**» نمی تواند قرینه بر بیع باشد، از راه ترک استفصال می توانیم استفاده کنیم و بگوییم می فرماید «**رجل من موالیک يعمل الحمائل قال اذا فرغ فليغسل يده**»، امام نفروده که این اگر برای خودش باشد مانعی ندارد و اگر بخواهد به دیگران بفروشد جایز نیست، این ترک الاستفصالی که در کلام امام (ع) آمده است وجهی می شود بر اینکه این بیع جایز است. امام (رض) هم در کتاب مکاسب محرمة، جواز بیع شعر خنزیر را از همین روایت استفاده کرده اند. **نکته دیگر** این است که کلمه ضرورت و اینها وجود ندارد و اینکه این برای او ضرورت دارد یا نه، وجود ندارد.

روایت دوم و سند آن

روایت دوم، حدیث دوم و حدیث چهارم همان باب است، که در یک سند آن «برد اسکاف» است، و در روایت و سند دیگر «**سليمان اسكاف**» است، که هم برد و هم سلیمان تضعیف شده اند، و روایاتشان جزو روایات ضعیف است. اما مرحوم محقق اردبیلی با توجه به جامع الروایة که نوشته، در رجال بسیار مسلط بوده است و معمولاً در سند روایات مناقشه می کند، اما نسبت به برد و سلیمان مناقشه نکرده است؛ روی این جهت که اولاً ابن ابی عمیر از برد و سلیمان روایت نقل می کند، و ثانیاً صفوان بن یحیی، که در رجال آمده **لا يروي و لا يرسل الا ممن يوثق به**، از اینها نقل کرده است . این از نظر سند این روایت.

مضمونش هم شبیه به هم است؛ **قال قلت لابي عبدالله (ع) اني رجل خزاز ، من مردی هستم که شغلم خرازی است، و لا يستقيم عملنا الا بشعر الخنزير نخرز به**، یعنی مواد کارما موی خنزیر است، حضرت (ع) فرمود: **قال خذ منه وبره فجعلها في فخارة ثم اوقد تحتها حتي يذهب دسمها ثم اعمل به**، حضرت فرمودند این وبر خنزیر را بگیر، در فخاره ای اوقد تحتها قرار بده، زیرش آتش روشن کند، بعد از آن استفاده کن. عرض کردم که سند این روایت ضعیف است و آنهایی که آن مبنا را دارند که در روایتی که در سند آن اصحاب اجماع باشد دیگر نسبت به بعد آن کاری ندارند این روایت را صحیح می دانند - که این بر خلاف تحقیق است، برخی قائلند اگر در سند روایت یکی از اصحاب اجماع بود، سند تا آنجا که رسید صحیح بود کافی است و از آنجا به بعد تحقیق لازم نیست، که عرض کردم این بر خلاف تحقیق است - با قطع نظر از سند روایت، روایت دلالت بر این دارد که استفاده از شعر خنزیر صحیح است. آیا این تعبیر «**ولا يستقيم عملنا**» دلالت بر اضطرار نمی کند؟ نه، «**لا يستقيم عملنا**» یعنی مواد کار ما این است نه اینکه ما مضطر به این شغل باشیم، بنابر این از این روایت هم اضطرار استفاده نمی شود .

روایت سوم

در خبر سلیمان اسکاف دارد که: **سألت ابا عبدالله (ع) عن شعر الخنزير يخوز به؟ قال لا بأس به، ولكن يغسل يده اذا أراد أن يصلي**، این روایت در کتاب الطهارة، باب سیزدهم از ابواب نجاسات، حدیث سوم آمده است.

روایت چهارم

روایت بعدی روایتی است که شیخ طوسی نقل می کند به اسناد خودش: **عن محمد بن علي بن محبوب عن يعقوب بن يزيد عن ابن ابي عمير عن ابي زياد النهدي** - که این ابي زياد نهدي در کتب رجال و تراجم مجهول است - ، **قال سألت ابا عبدالله (ع) عن جلد الخنزير يجعل دلوًا يستقي به الماء**، در این روایت می گوید از جلد خنزیر از حضرت سوال کردیم که به عنوان دلوئی که برای کشیدن آب استفاده می شود، **قال لا بأس** فرمود اشکالی ندارد . صاحب وسائل در آنجا از مرحوم شیخ طوسی این را نقل کرده است که فرموده **«الوجه انه لا بأس أن يستقي به، لكن يستعمل ذلك في سقي الدوابّ و الاشجار و نحو ذلك»**، شیخ طوسی گفته می توانید با پوست خنزیر دلو درست کنید، اما نمی توانید آب بخورید و وضو بگیرید. درست است که مرحوم شیخ طوسی این بیان را فرموده، ولی در متن روایت که دارد **«يستقي به الماء»**، این مطلق است و نگفته فقط در خصوص سقي دواب و اشجار.

روایت پنجم

روایت دیگری هم راجع به وضو داریم که صحیحه است: **«زرارة عن ابي عبدالله (ع) قال سألته عن الحبل يكون من شعر الخنزير يستقي به الماء من البئر هل يتوضأ من ذلك الماء؟ قال لا بأس»**. این روایت صحیحه زرارہ مقداری حرف دارد، چند احتمال داده شده است که این را فردا بیان می کنیم .

و صل الله على سيدنا محمد و آله اجمعين.